

شرح جامع حقوق جزای اختصاصی

مشمول بر:

- ساده‌سازی قوانین در معانی و تفاسیر
- به انضمام نظریات نگارنده
- درج نکات آزمونی
- درج آراء وحدت رویه
- درج نظریات مشورتی
- ترسیم نمودار و جداول آزمونی
- اعمال قانون جدید کاهش مجازات حبس تعزیری
- و بخش‌نامه تعدیل جزای نقدی

دکتر بهزاد ستاری

(دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی _ وکیل پایه یک دادگستری _ مدرس دانشگاه)

چاپ هفتم - ۱۴۰۵

امشب از آسمان دیده‌ی تو
روی شعرم ستاره می‌بارد
در زمستان دشت کاغذها
پنجه‌هایم جرقه می‌کارد
شعر دیوانه‌ی تب‌الودم
شرمگین از شیار خواهش‌ها
پیکرش را دوباره می‌سوزد
عطش جلودان آتش‌ها
آری آغاز دوست داشتن است
گرچه پایان راه ناپیداست
من به پایان دگر نیندیشم
که همین دوست داشتن زیباست
شب پر از قطره‌های الماس است
از سیاهی چرا هراسیدن
آنچه از شب به جای می‌ماند
عطر سکرآور گل یاس است
آه بگذار گم شوم در تو
کس نباید دگر نشانه‌ی من
روح سوزان و آه مرطوبیت
بوزد بر تن ترانه من
آه بگذار زین دریچه باز
خفته بر بال گرم رویاها
همره روزها سفر گیرم
یگریزم ز مرز دنیاها
دانی از زندگی چه می‌خواهم
من تو باشم .. تو .. پای تا سر تو
زندگی گر هزار باره بود
بار دیگر تو .. بار دیگر تو
آری آغاز دوست داشتن است
گرچه پایان راه ناپیداست
من به پایان دگر نیندیشم
که همین دوست داشتن زیباست

فروغ فرخزاد

مقدمه مؤلف:

هر که در جستجوی دانش باشد بهشت در جستجوی اوست. (پیامبر اسلام (ص))

امروزه علم در سطح نوینی از سیر پیشرفت قرار دارد به گونه ای که ارتقای روز افزون دانش بشری مسبب رفع بسیاری از حوائج بشر گشته است. در این میان دریای بیکران علم حقوق نیز از این قاعده مستثنا نیست چرا که با طرقي چشمگیر سایر علوم، موازین و مواعید حقوقی آنها نیز باید دستخوش تغییر و ارتقاء پیرامون آنها باشد. آدمیان در جوامع به واسطه پذیرش قراردادهای اجتماعی به اجرا و تبعیت از هنجارها و موازین حقوقی استوارند و مادامی که آنها از این موازین روی برگردانند بار مسئولیت در معنای اخص حقوقی و کیفری بر ذمه آنها خواهد بود. جرم و مجازات به عنوان یک رکن رکن قراردادهای اجتماعی دو ضابطه ناگسستنی هستند که بدون هم تداعی معنا نمی کنند لیکن فی الواقع هیچ جامعه ای رو نمیتوان یافت که عاری از واکنش مجرمانه در قبال پدیده مجرمانه باشد.

کتابی که در دست دارید مجموعه پژوهش های علمی است که پیرامون شناخت اخص جرایم و مجازات های حقوق کیفری ایران تدوین گشته است. بی درنگ یک جامعه چه در مقام عموم و چه در مقام متخصصان باید آشنایی کاملی با سلسله مراتب جرایم و مجازات های جامعه محل سکونت و مورد تابعیت داشته باشد. به همین خاطر اینجانب به واسطه سالها و کالت در عدلیه و تدریس در مراکز آموزشی و دانشگاهی مقال و قلم را بر کتابت این کتاب نهانیدم تا بتوانم تا حدودی این نیاز بشری جامعه ایرانی را رفع حوائج نمایم.

این کتاب با عنوان شرح جامعه حقوق جزای اختصاصی ناشی از تمام منابع معتبر اعم از قوانین مدونه، آراء وحدت رویه، نظریات دکترین، فتاوی فقهی و... میباشد. لذا تشریح چهار رکن تقسیم بندی جرایم به گونه ای است که میتواند منبعی مناسب جهت شرکت در آزمون های حقوقی باشد. لیکن ماقبل این اثر اینجانب بین دانشجویان و متقاضیان آزمون های حقوقی شاهد

ابهام و تردیدهای بسیاری پیرامون نکته نظرات و مباحث مطروحه بوده است؛ در همین راستا اقدام به کتابت این اثر نمودم تا بتواند در کنار قوانین و دیگر منابع به مخاطبان عام و خاص کمک شایانی نماید. علی ایحال امید است این اثر که حاصل مدتها فعالیت مطالعاتی، نوشتاری، بازخوانی و بازبینی مکرر است در سایه عنایت باری تعالی راهگشای جامعه حقوقی جوان و آینده ایران اسلامی باشد.

در پایان بر خود وظیفه میدانم از تمام اساتید، دانشجویان و همکارانم که در تهیه و تدوین این اثر هیچ لطفی را از بنده دریغ نکردند، تقدیر و تشکر نمایم و به نیکی یاد کنم از اساتیدی ارجمندی چون دکتر سیدعلی آزمایش، دکتر حسین میرمحمد صادقی، دکتر ایرج گلدوزیان، دکتر حسین آفایی نیا، دکتر امیر سماواتی و دکتر محمد مصدق که با چراغ فروزان آثار این بزرگوران از مسائلی که پیش می آمد گره گشایی کرده ام.

لازم به ذکر است که نگارنده به هیچ وجه مدعی بی نقصی این اثر موجود نبوده و این اثر نیز مانند هر مکتوب بشری دیگر عاری از کاستی نیست.

دکتر بهزاد ستاری

مؤلف - مدرس دانشگاه و وکیل پایه یک دادگستری

ایمیل: Sattari_behzad@yahoo.com

تلگرام: t.me/amoozesh_law

اینستاگرام: Dr.sattari.behzad

تقدیم به قهرمان زندگیم

پدرم

مردی که نان داد

مردی که اخلاق را به من آموخت

بدان که زین پس، شانه من تکیه گاهت و بازوی من، عصای دستت خواهد بود.

و تقدیم به فرشته مهربانم

مادرم

زنی که سوخت تا مرا بسازد

زنی که ایستادگی و فداکاری را به من آموخت

بدان که زین پس، نفس‌های من، دم و بازدم تو خواهد بود.

فهرست

حقوق جزای اختصاصی ۱ (جرایم علیه اموال و مالکیت)

فصل اول: کلیات	۲۴
فصل دوم: کلاهبرداری	۲۵
مبحث اول: تعریف کلاهبرداری	۲۵
مبحث دوم: عناصر تشکیل دهنده جرم کلاهبرداری	۲۷
گفتار اول: عنصر قانونی جرم کلاهبرداری	۲۷
گفتار دوم: عنصر مادی جرم کلاهبرداری	۲۸
بند اول: رفتار فیزیکی در جرم کلاهبرداری	۲۸
بند دوم: شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم کلاهبرداری	۲۹
بند سوم: نتیجه حاصله از رفتار متهم	۵۲
گفتار سوم: عنصر روانی جرم کلاهبرداری	۶۲
مبحث سوم: همکاری در ارتکاب جرم کلاهبرداری	۶۶
گفتار اول: شرکت در کلاهبرداری	۶۶
گفتار دوم: معاونت در کلاهبرداری	۶۷
مبحث چهارم: همکاری در ارتکاب جرم کلاهبرداری	۶۹
مبحث چهارم: مجازات جرم کلاهبرداری	۶۹
مبحث پنجم: کلاهبرداری رایانه‌ای (الکترونیکی)	۷۱
مبحث ششم: صُوَر خاص جرم کلاهبرداری	۷۶
گفتار اول: جرایم در حکم کلاهبرداری	۷۶
بند اول: انتقال مال غیر بدون مجوز قانونی	۷۷
بند دوم: معرفی مال دیگری به عوض مال خود	۸۱
بند سوم: تبانی و مواضعه برای بردن مال غیر	۸۲
بند چهارم: تحصیل تصدیق گواهی انحصار وراثت، با علم به عدم وراثت خود	۸۴
بند پنجم: دریافت ارز از دولت و مصرف یا انتفاع از آن در جای دیگر	۸۴
بند ششم: قبول بیمه بدون داشتن پروانه	۸۵
بند هفتم: تقاضای ثبت ملک متعلق به دیگری (کلاهبرداری در امور ثبتی)	۸۵
بند هشتم: امتناع از ردّ حق به صاحب آن	۸۸
بند نهم: کلاهبرداری در شرکت‌های سهامی	۸۹
بند دهم: کلاهبرداری در شرکت‌های مختلط سهامی	۸۹
بند یازدهم: کلاهبرداری در شرکت‌های با مسئولیت محدود	۸۹
گفتار دوم: اَعمال متقلبانه با وصف مجرمانه مستقل	۹۰
بند اول: ورشکستگی به تقصیر یا تقلّب	۹۱
بند دوم: تدلیس در معاملات دولتی	۹۳
بند سوم: دسیسه و تقلّب در کسب و تجارت	۹۳

بند چهارم: تبانی در معاملات دولتی	۹۴
بند پنجم: تحصیل مال از طریق نامشروع	۹۵
بند ششم: انجام معامله معارض	۹۷
بند هفتم: تقلب نسبت به بیمه‌گر	۱۰۰
بند هشتم: انتقال مال خود به قصد فرار از دین	۱۰۰
بند نهم: ایجاد مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی، بدون اخذ مجوز	۱۰۲
فصل دوم: خیانت در امانت	۱۰۲
مبحث اول: تعریف خیانت در امانت	۱۰۲
مبحث دوم: عناصر تشکیل‌دهنده جرم خیانت در امانت	۱۰۵
گفتار اول: عنصر قانونی جرم خیانت در امانت	۱۰۵
گفتار دوم: عنصر مادی جرم خیانت در امانت	۱۰۵
بند اول: رفتار فیزیکی در جرم خیانت در امانت	۱۰۵
بند دوم: شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم	۱۰۹
بند سوم: نتیجه حاصله از رفتار متهم	۱۱۶
گفتار سوم: عنصر روانی جرم خیانت در امانت	۱۱۷
مبحث سوم: مجازات جرم خیانت در امانت	۱۲۱
گفتار اول: مجازات اصلی خیانت در امانت	۱۲۱
گفتار دوم: مجازات‌های تبعی و تکمیلی خیانت در امانت	۱۲۲
مبحث چهارم: صور خاص جرم خیانت در امانت	۱۲۱
گفتار اول: سوءاستفاده از ضعف نفس اشخاص	۱۲۲
گفتار دوم: سوءاستفاده از سفید مهر یا سفید امضاء	۱۲۵
گفتار سوم: اختلاس	۱۲۹
بند اول: شرایط تحقق اختلاس	۱۳۰
گفتار چهارم: تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی	۱۴۲
گفتار پنجم: خیانت مستخدمان دولتی در اسناد دولتی	۱۴۶
فصل سوم: سرقت	۱۴۶
مبحث اول: تعریف سرقت	۱۴۶
گفتار اول: ربودن	۱۴۷
گفتار دوم: مال	۱۵۰
بند اول: ربایش برق	۱۵۲
بند دوم: ربایش آب	۱۵۴
بند سوم: ربایش گاز	۱۵۴
بند چهارم: ربایش تلفن	۱۵۶
بند پنجم: ربایش انسان	۱۵۶
بند ششم: ربایش مواد خوراکی و سریع‌الفساد	۱۵۷
گفتار سوم: تعلق به غیر (ملک غیر بودن)	۱۵۷

مبحث دوم: سرقت مستوجب حد	۱۵۹
گفتار اول: شرایط سرقت مستوجب حد	۱۵۹
بند اول: شرایط عام مسئولیت کیفری سارق	۱۵۹
بند دوم: شرایط خاص سرقت مستوجب حد	۱۶۱
مبحث سوم: مجازات سرقت	۱۸۱
گفتار اول: مجازات اصلی سرقت مستوجب حد	۱۸۱
گفتار دوم: مجازات‌های تکمیلی و تبعی سرقت مستوجب حد	۱۸۲
مبحث چهارم: سرقت‌های خاص	۱۸۲
گفتار اول: سرقت مقرون به آزار یا به طور مسلحانه	۱۸۳
گفتار دوم: سرقت مسلحانه گروهی در شب	۱۸۵
گفتار سوم: سرقت مقرون به ۵ شرط مشدد	۱۸۷
گفتار چهارم: راهزنی (قطع الطريق)	۱۸۸
گفتار پنجم: سرقت از موزه‌ها یا اماکن تاریخی و مذهبی	۱۹۰
گفتار ششم: سرقت وسیله و متعلقات مربوط به تأسیسات مورد استفاده عمومی	۱۹۱
گفتار هفتم: کیف‌زنی یا جیب‌بری	۱۹۲
گفتار هشتم: سرقت از محل تصادف یا مناطق حادثه‌زده	۱۹۳
گفتار نهم: سرقت مقرون به یکی از شرایط مذکور در قانون	۱۹۵
گفتار دهم: سرقت اقوام شخص ورشکسته	۱۹۶
گفتار یازدهم: سرقت داده‌های رایانه‌ای	۱۹۶
گفتار دوازدهم: سرقت فاقد شرایط حد	۱۹۷
گفتار سیزدهم: سرقت ساده	۱۹۷
گفتار چهاردهم: ربایش فاقد عنوان سرقت	۱۹۸
مبحث پنجم: مداخله در اموال مسروق در اخفای اموال مسروق	۱۹۹
گفتار اول: جرم مداخله در اموال مسروقی	۱۹۹
گفتار دوم: مداخله در آثار فرهنگی تاریخی مسروقی	۲۰۳
گفتار سوم: مداخله در اموال توقیف شده	۲۰۴
گفتار چهارم: ساخت یا تهیه وسیله برای ارتکاب جرم	۲۰۴
فصل چهارم: جرم صدور چک پرداخت نشدنی	۲۰۵
مبحث اول: ماهیت حقوقی و کیفری جرم صدور چک پرداخت نشدنی	۲۰۵
گفتار اول: ماهیت حقوقی جرم صدور چک پرداخت نشدنی	۲۰۷
گفتار دوم: ماهیت کیفری جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی	۲۰۹
بند اول: عدم موجودی یا کسری وجه در حساب بانکی صادرکننده چک	۲۰۹
بند دوم: خارج کردن تمام یا قسمتی از وجه چک، توسط صادرکننده چک	۲۱۰
بند سوم: دستور عدم پرداخت وجه چک، توسط صادرکننده چک	۲۱۰
بند چهارم: تنظیم چک به شکل نادرست، توسط صادرکننده چک	۲۱۲
بند پنجم: صدور چک از حساب مسدود، توسط صادرکننده چک	۲۱۳

۲۱۴.....	مبحث دوم: مواردی که صادرکننده قابل تعقیب کیفری نیست
۲۱۴.....	گفتار اول: چک‌های سفید امضاء
۲۱۵.....	گفتار دوم: چک‌های تضمینی یا چک‌های مشروط
۲۱۵.....	گفتار سوم: چک‌های بدون تاریخ یا وعده دارد
۲۱۶.....	مبحث سوم: عناصر تشکیل‌دهنده جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی
۲۱۶.....	گفتار اول: عنصر قانونی جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی
۲۱۶.....	گفتار دوم: عنصر مادی جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی
۲۱۷.....	گفتار سوم: عنصر روانی جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی
۲۱۸.....	مبحث چهارم: نحوه شکایت و دادرسی در جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی
۲۱۸.....	گفتار اول: کسانی که حق شکایت کیفری جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی
۲۱۹.....	گفتار دوم: مواعیدی که شاکی باید رعایت کند
۲۲۰.....	گفتار سوم: کسانی که می‌توان اقدام به شکایت کیفری علیه آن‌ها کرد
۲۲۲.....	گفتار چهارم: چک‌های بلامحل صادره در ایران عهده بانک‌های واقع در خارج از کشور
۲۲۲.....	گفتار پنجم: مطالبه ضرر و زیان در دعوی کیفری و فوری بودن رسیدگی
۲۲۳.....	مبحث پنجم: مجازات جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی
۲۲۳.....	گفتار اول: مجازات اصلی جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی
۲۲۳.....	گفتار دوم: اقدامات بازدارنده در جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی
۲۲۵.....	فصل پنجم: جرم تخریب کیفری
۲۲۵.....	مبحث اول: جرم تخریب کیفری
۲۳۰.....	مبحث دوم: مصادیق جرم تخریب کیفری
۲۳۱.....	گفتار اول: آتش‌زدن اموال
۲۳۱.....	بند اول: آتش‌زدن اموال منقول و غیرمنقول
۲۳۳.....	بند دوم: آتش‌زدن اموال منقول
۲۳۴.....	گفتار دوم: تخریب اموال منقول و غیرمنقول
۲۳۵.....	گفتار سوم: شکار یا صید غیرمجاز حیوانات و جانوران وحشی حفاظت شده
۲۳۵.....	گفتار چهارم: تلف نمودن حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری یا حیوانات ممنوع‌الشکار
۲۳۶.....	گفتار پنجم: اتلاف اسناد دولتی
۲۳۷.....	گفتار ششم: اتلاف اسناد غیردولتی
۲۳۷.....	گفتار هفتم: نهب و غارت
۲۳۸.....	گفتار هشتم: چراندن محصول، خراب یا قطع و درو کردن تاکستان، نخلستان و...
۲۳۸.....	گفتار نهم: بُریدن یا قطع اصله نخل خرما
۲۳۹.....	گفتار دهم: تخریب درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای سبز
۲۴۰.....	گفتار یازدهم: خرابکاری در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی
۲۴۱.....	گفتار دوازدهم: اقدامات علیه بهداشت عمومی
۲۴۳.....	گفتار سیزدهم: تخریب اموال تاریخی، فرهنگی
۲۵۰.....	گفتار چهاردهم: تخریب وسایل و تجهیزات راه آهن

گفتار پانزدهم: اخلاق در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی	۲۵۰
گفتار شانزدهم: تخریب در زندان توسط زندانی	۲۵۰
گفتار هفدهم: شکستن مهر و پلمپ یا دفاتر ثبت و ضبط دولتی یا اسناد موجود در اماکن دولتی	۲۵۱
گفتار هیجدهم: تخریب اسناد مربوط به امام خمینی (ره)	۲۵۲
گفتار نوزدهم: تخریب رایانه‌ای	۲۵۲
مبحث اول: تعریف جرم پولشویی	۲۵۳
گفتار اول: تعریف پولشویی از نظر دکترین حقوقی	۲۵۳
گفتار دوم: تعریف پولشویی از نظر قانونگذار	۲۵۳
گفتار سوم: معانی اصطلاحات مندرج قانون مبارزه با پولشویی	۲۵۶
مبحث دوم: عواید حاصل از جرم پولشویی و راهکارهای پیشگیری از جرم	۲۵۷
گفتار اول: عواید حاصل از جرم پولشویی	۲۵۷
گفتار دوم: راهکارهای پیشگیری از جرم پولشویی	۲۵۷
بند اول: اعضا و وظایف شورا	۲۵۸
بند دوم: تکلیف کارکنان و سایر دستگاه‌های حاکمیتی و بخش‌های دولتی و غیردولتی	۲۵۸
بند سوم: مجازات خودداری از انجام تکالیف مقرر در ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی	۲۶۰
گفتار سوم: نحوه اجرای این قانون و قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم	۲۶۰
گفتار چهارم: مرکز اطلاعات مالی	۲۶۲
مبحث سوم: مجازات جرم پولشویی	۲۶۳
گفتار اول: مجازات اصلی جرم پولشویی	۲۶۳
گفتار دوم: نحوه مصادره اصل مال و درآمد و عواید	۲۶۴
گفتار سوم: مجازات اشخاص حقوقی در جرم پولشویی	۲۶۶
گفتار چهارم: مرجع صالح به رسیدگی در جرم پولشویی	۲۶۶

حقوق جزای اختصاصی ۲ (جرایم علیه مصالح عمومی کشور)

بخش چهارم: جرایم علیه مصالح عمومی کشور	۲۶۸
فصل اول: جرایم علیه امنیت کشور	۲۶۸
مبحث اول: مهم‌ترین جرایم علیه امنیت عمومی کشور	۲۶۸
گفتار اول: جرم محاربه	۲۶۹
بند اول: سلاح	۲۷۱
بند دوم: راهزنی و سرقت مسلحانه	۲۷۱
بند سوم: مقابله با محاربان	۲۷۲
بند چهارم: مجازات محاربه	۲۷۳
بند پنجم: شروع به محاربه و معاونت در آن	۲۷۴
گفتار دوم: جرم افساد فی‌الارض	۲۷۴
گفتار سوم: جرم بئی	۲۷۸
گفتار چهارم: تشکیل یا اداره دسته یا جمعیت به قصد برهم زدن امنیت کشور	۲۸۰

۲۸۲.....	گفتار پنجم: عضویت در دسته یا جمعیت به قصد برهم زدن امنیت کشور
۲۸۶.....	گفتار ششم: تبلیغ علیه نظام یا به نفع گروه‌های مخالف نظام
۲۸۷.....	گفتار هفتم: جرم فعالیت تبلیغی در قالب فرقه، گروه، جمعیت
۲۸۹.....	بند اول: هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود
۲۸۹.....	بند دوم: هرگونه فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام
۲۹۰.....	گفتار هشتم: جرم سیاسی
۲۹۲.....	گفتار نهم: جرم جاسوسی و جرایم وابسته به آن
۲۹۳.....	بند اول: مطلع کردن اشخاص فاقد صلاحیت از اسرار
۲۹۵.....	بند دوم: ورود به اماکن ممنوعه جهت کسب اطلاعات / عکس‌برداری غیرمجاز
۲۹۹.....	بند سوم: جمع‌آوری اطلاعات
۳۰۰.....	بند چهارم: بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده (یا جرم تخلیه اطلاعاتی)
۳۰۳.....	بند پنجم: اخفای جاسوسان
۳۰۴.....	بند ششم: معرفی جاسوس به کشورهای بیگانه
۳۰۵.....	بند هفتم: جاسوسی به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر
۳۰۶.....	بند هشتم: جاسوسی رایانه‌ای و جرایم مرتبط به آن
۳۰۶.....	بند اول: دسترسی غیرمجاز
۳۰۸.....	بند دوم: شنود غیرمجاز
۳۰۹.....	بند سوم: جاسوسی رایانه‌ای
۳۱۰.....	گفتار دهم: تحریک
۳۱۰.....	بند اول: جرم تحریک نیروهای رزمنده
۳۱۲.....	بند دوم: جرم تحریک مردم به جنگ و کشتار یا یکدیگر
۳۱۴.....	گفتار یازدهم: تهدید به بمب‌گذاری
۳۱۷.....	گفتار دوازدهم: جرم همکاری با دول خارجی متخاصم
۳۱۸.....	مبحث دوم: مهم‌ترین جرایم علیه امنیت عمومی کشور
۳۱۸.....	گفتار اول: تشدید مجازات
۳۱۹.....	گفتار دوم: تخفیف یا معافیت از مجازات
۳۲۰.....	مبحث سوم: سایر جرایم علیه امنیت عمومی کشور
۳۲۱.....	گفتار اول: سوءقصد به جان مقامات سیاسی
۳۲۱.....	بند اول: سوءقصد به جان مقامات سیاسی یا مذهبی داخلی
۳۲۲.....	بند دوم: سوءقصد به جان مقامات سیاسی خارجی
۳۲۵.....	گفتار دوم: توهین
۳۲۶.....	گفتار سوم: تخریب
۳۲۶.....	گفتار چهارم: تبانی
۳۲۷.....	بند اول: عناصر متشکله جرم تبانی
۳۲۹.....	بند دوم: توافق مشروط در جرم تبانی
۳۳۰.....	بند سوم: دادگاه صالح به رسیدگی در جرم تبانی

بند چهارم: شروع به ارتکاب تبانی	۳۳۱
بند پنجم: معاونت در تبانی	۳۳۲
بند ششم: تبانی در معاونت	۳۳۲
بند هفتم: انواع تبانی	۳۳۲
بند اول: تبانی برای ارتکاب جرایم علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم	۳۳۳
بند دوم: تبانی برای ارتکاب جرایم علیه امنیت	۳۳۵
نفی بلد	۳۳۶
گفتار پنجم: اشاعه اکاذیب	۳۳۶
گفتار ششم: تظاهر یا قدرت‌نمایی	۳۳۶
گفتار هفتم: هیاهو و جنجال	۳۳۸
فصل دوم: جعل و استفاده از سند مجعول	۳۴۰
مبحث اول: تعریف جعل	۳۴۰
مبحث دوم: مصادیق جعل	۳۴۱
گفتار اول: ساختن نوشته یا سند	۳۴۱
گفتار دوم: ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی	۳۴۴
گفتار سوم: خراشیدن یا تراشیدن	۳۴۶
گفتار چهارم: قلم بردن	۳۴۶
گفتار پنجم: الحاق	۳۴۷
گفتار ششم: محو کردن	۳۴۷
گفتار هفتم: اثبات کردن	۳۴۸
گفتار هشتم: سیاه کردن	۳۴۸
گفتار نهم: تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی آن	۳۴۸
گفتار دهم: الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر	۳۴۹
گفتار یازدهم: به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن	۳۵۰
مبحث سوم: عنصر مادی جرم جعل	۳۵۱
گفتار اول: رفتار فیزیکی	۳۵۱
بند اول: رفتار فیزیکی در جرم جعل مادی	۳۵۱
بند دوم: رفتار فیزیکی در جرم جعل مفادی یا معنوی	۳۷۲
گفتار دوم: مجموعه شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم جعل	۳۷۵
گفتار سوم: نتیجه حاصله از رفتار متهم	۳۸۰
مبحث چهارم: عنصر روانی جرم جعل	۳۸۶
مبحث پنجم: جرم جعل در قوانین متفرقه	۳۸۷
گفتار اول: جعل ارتكابی از سوی مستخدمین و اجزاء ثبت اسناد و املاک	۳۸۸
گفتار دوم: جعل رایانه‌ای (الکترونیک)	۳۸۹
مبحث هفتم: استفاده از سند مجعول	۳۹۰
گفتار اول: احراز ماهیت جعلی سند یا نوشته و غیره	۳۹۱

۳۹۲.....	گفتار دوم: احراز عنصر روانی مرتکب
۳۹۳.....	گفتار سوم: احراز قابلیت ورود ضرر
۳۹۵.....	مبحث هشتم: تکرار و تعدّد در جرایم جعل و استفاده از سند مجعول
۳۹۸.....	مبحث نهم: آنی بودن جرایم جعل و استفاده از سند مجعول
۳۹۸.....	فصل سوم: قلب سکه و ترویج سکه قلب
۳۹۸.....	مبحث اول: ساختن سکه قلب
۳۹۹.....	مبحث اول: ساختن سکه قلب
۴۰۱.....	گفتار اول: ساختن سکه تقلبی طلا و نقره
۴۰۲.....	گفتار اول: ساختن سکه تقلبی غیرطلا و نقره
۴۰۳.....	مبحث دوم: مخدوش کردن سکه طلا و نقره
۴۰۴.....	مبحث سوم: ترویج یا خرید و فروش سکه قلب یا مخدوش
۴۰۵.....	مبحث چهارم: داخل کردن سکه قلب یا مخدوش به کشور
۴۰۶.....	مبحث پنجم: تخفیف یا معافیت از مجازات برای جاعلین و متقلبین
۴۰۷.....	مبحث ششم: مجازات مرتکبین قلب سکه
۴۰۸.....	مبحث هفتم: عنصر روانی جرم قلب سکه
۴۱۰.....	فصل چهارم: رشا و ارتشا
۴۱۰.....	مبحث اول: تعریف رشا و ارتشا
۴۱۰.....	مبحث دوم: مواد قانونی رشا و ارتشا
۴۱۱.....	مبحث دوم: عنصر مادی در جرایم رشا و ارتشا
۴۱۲.....	گفتار اول: رفتار فیزیکی
۴۱۴.....	گفتار دوم: مجموعه شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم
۴۱۴.....	بند اول: کارمند دولت بودن مرتشی
۴۱۴.....	بند دوم: جنبه مالی داشتن رشوه
۴۱۶.....	بند سوم: آن چیزی که داده و گرفته می‌شود باید ارزش مالی بسیار کمی نداشته باشد
۴۱۶.....	گفتار سوم: نتیجه حاصله از رفتار متهم
۴۱۷.....	گفتار چهارم: سایر نکات لازم در جرم رشا
۴۱۸.....	مبحث سوم: شروع به ارتکاب رشا و ارتشا
۴۱۹.....	مبحث چهارم: عنصر روانی در جرایم رشا و ارتشا
۴۲۰.....	مبحث چهارم: مجازات جرم ارتشا
۴۲۰.....	گفتار اول: مجازات مرتشی
۴۲۳.....	گفتار دوم: صدور قرار بازداشت موقت در جرم رشا
۴۲۴.....	گفتار سوم: موارد تشدید مجازات مرتشی
۴۲۵.....	مبحث پنجم: مجازات جرم راشی
۴۲۷.....	مبحث ششم: موارد تخفیف و معافیت از مجازات برای راشی
۴۲۹.....	مبحث هفتم: موارد خاص رشا و ارتشاء و جرایم مرتبط با آنها
۴۲۹.....	گفتار اول: رشا و ارتشا در مورد داوران، ممیزان و کارشناسان

۴۳۰.....	گفتار دوم: واسطه‌گری در ارتشا
۴۳۱.....	گفتار سوم: ثروت‌های ناشی از رشوه
۴۳۱.....	گفتار چهارم: ارتشا در امر نظام وظیفه
۴۳۲.....	گفتار پنجم: اخذ مال یا وجه از سوی پزشک برای دادن گواهی خلاف واقع
۴۳۲.....	گفتار ششم: اخذ کمیسیون یا پورسانت (درصدانه)
۴۳۳.....	گفتار هفتم: اخذ پورسانت
۴۳۴.....	گفتار هشتم: اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی

حقوق جزای اختصاصی ۳ (جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص)

۴۳۸.....	بخش سوم: جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص
۴۳۸.....	فصل یکم: عنصر مادی جرائم تمامیت جسمانی اشخاص
۴۳۸.....	مبحث اول: رفتار فیزیکی جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص
۴۳۸.....	گفتار اول: فعل یا ترک فعل
۴۳۹.....	بند اول: ارتکاب جرایم به صورت فعل
۴۳۹.....	بند دوم: ارتکاب جرائم به صورت ترک فعل
۴۴۴.....	گفتار دوم: مباشرت یا تسبیب
۴۴۴.....	بند اول: مباشرت در جنایت
۴۴۴.....	بند دوم: تسبیب در جنایت
۴۵۱.....	بند سوم: اجتماع سبب و مباشر
۴۵۴.....	بند چهارم: اجتماع سبب
۴۵۶.....	گفتار سوم: رفتار اصابی یا غیر اصابی
۴۵۶.....	بند اول: رفتار اصابی
۴۵۷.....	بند دوم: رفتار غیر اصابی
۴۵۸.....	مبحث دوم: شرایط و احوال لازم برای تحقق جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص
۴۵۸.....	گفتار اول: انسان بودن قربانی
۴۵۸.....	گفتار دوم: توجه جرم به شخص دیگر
۴۶۱.....	گفتار سوم: محقون‌الدم بودن قربانی
۴۶۶.....	مبحث سوم: نتیجه حاصله
۴۶۷.....	گفتار اول: جرایم غیر مهلک (صدمات و جراحات)
۴۶۸.....	گفتار دوم: قتل
۴۷۳.....	گفتار سوم: شروع به ارتکاب جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص
۴۷۵.....	فصل دوم: عنصر روانی جرائم تمامیت جسمانی اشخاص
۴۷۵.....	مبحث اول: جنایات عمدی
۴۷۵.....	گفتار اول: عمد در فعل
۴۷۶.....	بند اول: اشتباه در هدف (یا شخص)
۴۷۷.....	بند دوم: اشتباه در هویت (یا شخصیت)
۴۷۸.....	گفتار دوم: قصد نتیجه
۴۷۹.....	بند اول: قتل عمدی نوع اول (قصد فعل + قصد نتیجه)
۴۸۱.....	بند دوم: قتل عمدی نوع دوم (قصد فعل + عدم قصد نتیجه + نوعاً کُشنده بودن رفتار)
	بند سوم: قتل عمدی نوع سوم (قصد فعل + عدم قصد نتیجه + کُشنده بودن رفتار نسبت به مجنی‌علیه یا اوضاع و
۴۸۵.....	احوال زمانی یا مکانی)

۴۸۹	بند چهارم: قتل عمدی نوع سوم (قصد فعل + قصد نتیجه)
۴۸۹	مبحث دوم: جنایات شبه‌عمدی
۴۹۰	بند اول: قتل شبه‌عمدی نوع اول (قصد فعل + عدم قصد نتیجه)
۴۹۲	بند دوم: قتل شبه‌عمدی نوع دوم (قتل از روی جهل به موضوع)
۴۹۳	بند سوم: قتل شبه‌عمدی نوع سوم (قتل از روی تقصیر)
۴۹۳	مبحث دوم: جنایات خطای محض
۴۹۴	بند اول: قتل خطای محض نوع اول (عدم قصد فعل + عدم قصد نتیجه)
۴۹۸	فصل سوم: مجازات جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص
۴۹۸	مبحث اول: قصاص
۴۹۸	گفتار اول: شرایط عمومی ثبوت قصاص
۴۹۹	بند اول: تساوی در دین
۵۰۱	بند دوم: فقدان رابطه پدری
۵۰۱	بند سوم: تساوی در عقل
۵۰۵	گفتار دوم: شرایط اضافی لازم برای قصاص عضو
۵۰۶	بند اول: تساوی اعضا در سالم و کامل بودن
۵۰۷	بند دوم: تساوی اعضا در اصلی بودن
۵۰۸	بند سوم: تساوی در محل عضو مجروح یا مقطوع
۵۰۸	بند چهارم: عدم تلف جانی یا عضو دیگر وی
۵۰۸	بند پنجم: بیشتر شدن قصاص از جنایت
۵۱۱	گفتار سوم: شرایط خاص قصاص بعضی از اعضاء
۵۱۱	بند اول: دیه چشم
۵۱۵	بند دوم: دیه گوش
۵۱۶	بند سوم: دیه بینی، زبان و لب
۵۲۲	بند چهارم: دیه دندان
۵۲۵	بند پنجم: دیه سایر اعضاء
۵۳۷	گفتار چهارم: شرایط اجرای قصاص
۵۳۷	بند اول: تقاضای مجنی‌علیه یا اولیای دم
۵۴۲	بند دوم: اذن رهبری
۵۴۳	بند سوم: درخواست مجنی‌علیه یا اولیای دم
۵۴۶	بند چهارم: پرداخت تفاضل دیه
۵۵۷	بند پنجم: عدم آزارسانی به جانی
۵۵۹	گفتار پنجم: موانع اجرای قصاص
۵۵۹	بند اول: باردار بودن زن محکوم به قصاص
۵۶۱	بند دوم: فرار جانی و عدم دسترسی به وی
۵۶۳	گفتار ششم: موارد سقوط یا عدم اجرای قصاص
۵۶۳	بند اول: از بین رفتن محل قصاص
۵۶۴	بند دوم: بخشیده شدن جانی
۵۶۶	بند سوم: به ارث برده شدن قصاص از سوی قاتل
۵۶۷	بند چهارم: وقوع شبهه
۵۶۸	بند پنجم: صدمه به دیگری
۵۶۸	مبحث دوم: دیه

۵۶۸.....	گفتار اول: تعریف و ماهیت دیه
۵۶۹.....	گفتار دوم: میزان دیه
۵۶۹.....	بند اول: بر اساس نوع صدمه
۵۹۳.....	بند دوم: بر اساس جنسیت و دین
۵۹۵.....	بند سوم: بر اساس زمان و مکان ارتکاب جرم (تغلیط دیه)
۶۰۰.....	گفتار سوم: اقسام دیه
۶۰۱.....	گفتار چهارم: دریافت کنندگان و پرداخت کنندگان دیه
۶۰۱.....	بند اول: پرداخت کنندگان دیه
۶۱۶.....	گفتار پنجم: مهلت پرداخت دیه
۶۱۷.....	گفتار ششم: موارد سقوط دیه
۶۱۸.....	مبحث سوم: تعزیر
۶۱۸.....	گفتار اول: عدم اجرای قصاص علیه مرتکب
۶۱۸.....	بند اول: مجازات تعزیری عدم اجرای قصاص نفس در قتل
۶۲۰.....	بند دوم: مجازات تعزیری عدم اجرای قصاص عضو در جنایات بر عضو
۶۲۱.....	گفتار دوم: سقط جنین
۶۲۷.....	گفتار سوم: جنایات ناشی از تخلّفات رانندگی
۶۲۸.....	بند اول: عنصر مادی جنایات ناشی از تخلّفات رانندگی
۶۳۱.....	بند دوم: عنصر روانی جنایات ناشی از تخلّفات رانندگی
۶۳۴.....	گفتار چهارم: کیفیات مشدّده و مخفّفه
۶۳۴.....	بند اول: کیفیات مشدّده
۶۳۷.....	بند اول: کیفیات مخفّفه
۶۳۸.....	گفتار پنجم: قتل غیر عمدی ناشی از سایر حوادث
۶۳۹.....	گفتار ششم: جرم اسیدپاشی
۶۴۳.....	فصل چهارم: همکاری در ارتکاب جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص
۶۴۳.....	مبحث اول: شرکت در جنایت
۶۴۹.....	گفتار اول: انواع شرکت به اعتبار عنصر مادی
۶۵۰.....	بند اول: شرکت در فعل و شرکت در نتیجه
۶۵۰.....	بند دوم: شرکت سبب و مباشر یا چند سبب و چند مباشر
۶۵۰.....	بند سوم: شرکت فاعل و تارک فعل
۶۵۰.....	گفتار دوم: انواع شرکت به اعتبار عنصر روانی
۶۵۱.....	بند اول: اجتماع عمد و شبه عمد
۶۵۱.....	بند دوم: اجتماع عمد و خطای محض
۶۵۱.....	بند سوم: اجتماع عمد، شبه عمد و خطای محض
۶۵۹.....	مبحث دوم: شرکت در منازعه
۶۵۹.....	گفتار اول: عنصر مادی جرم شرکت در منازعه
۶۵۹.....	بند اول: رفتار فیزیکی
۶۶۰.....	بند دوم: شرایط و احوال لازم برای تحقّق جرم
۶۶۱.....	بند سوم: نتیجه حاصله از رفتار متهم
۶۶۳.....	گفتار دوم: مجازات شرکت کنندگان در منازعه
۶۶۳.....	گفتار سوم: مجازات شرکت کنندگان در منازعه
۶۶۴.....	فصل ششم: راههای اثبات جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص

۶۶۴	مبحث اول: اقرار، شهادت و علم قاضی
۶۶۴	گفتار اول: تعارض بین دو اقرار
۶۶۴	گفتار دوم: تعارض بین دو بینه
۶۶۵	گفتار سوم: تعارض بین بینه و اقرار
۶۶۶	مبحث دوم: قسامه
۶۶۶	گفتار اول: تعریف و مفهوم قسامه
۶۶۷	گفتار دوم: شرایط تحقق لوث
۶۶۷	گفتار سوم: موارد اجرای قسامه در قتل و جرح و تفاوت‌های آن‌ها
۶۶۸	بند اول: از لحاظ تعداد سوگند
۶۷۱	بند دوم: از لحاظ تکرار سوگند
۶۷۲	بند سوم: از حیث اثبات قصاص
۶۷۲	بند چهارم: از لحاظ تفاوت بین جنایات عمدی و غیرعمدی
۶۷۲	گفتار چهارم: شرایط سوگند
۶۷۵	گفتار پنجم: شرایط مدعی و سوگندخورندگان
۶۷۶	گفتار ششم: رد قسامه به مدعی‌علیه (متهم)
۶۸۰	گفتار هفتم: پیامدهای اجراء یا عدم اجرای قسامه
۶۸۱	گفتار هشتم: تعدد شاکی یا متهم
۶۸۶	گفتار نهم: وجود لوث به شکل مردّد
۶۸۸	گفتار دهم: اقامه قسامه از سوی ولی امر در صورت فقدان ولیّ امر

حقوق جزای اختصاصی ۴ (جرایم علیه شخصیت معنوی)

۶۹۰	بخش اول: جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص
۶۹۰	فصل اول: توهین
۶۹۰	مبحث اول: توهین ساده
۶۹۰	گفتار اول: عنصر قانونی جرم توهین
۶۹۱	گفتار دوم: عنصر مادی جرم توهین
۶۹۱	بند اول: رفتار فیزیکی
۶۹۳	بند دوم: شرایط و اوضاع و احوال جهت تحقق جرم
۷۰۰	بند سوم: نتیجه حاصله از رفتار متهم
۷۰۱	گفتار سوم: عنصر روانی جرم توهین
۷۰۲	مبحث دوم: توهین مشدّد
۷۰۲	گفتار اول: توهین مشدّد به اعتبار مقام مخاطب
۷۰۲	بند اول: توهین به رهبری قبلی و فعلی
۷۰۳	بند دوم: توهین به سایر کارکنان و مقامات دولتی ایران
۷۰۶	بند سوم: توهین به مقامات سیاسی خارجی
۷۰۸	بند چهارم: توهین به صاحبان حرفه‌ها و مشاغل خاص
۷۰۹	گفتار دوم: توهین مشدّد به اعتبار جنسیت یا سن طرف توهین
۷۱۱	گفتار سوم: توهین مشدّد به اعتبار قداسست طرف توهین
۷۱۲	گفتار چهارم: توهین مشدّد به اعتبار نحوه ارتکاب
۷۱۴	گفتار چهارم: توهین مشدّد به اعتبار نحوه ارتکاب

بند اول: استفاده از مطبوعات (یا توهین مطبوعاتی)	۷۱۴
بند دوم: استفاده از رایانه	۷۱۵
مبحث سوم: تحلیل ماده ۵۶۷ قانون تعزیرات	۷۱۶
فصل دوم: افترا	۷۱۷
مبحث اول: افترای ساده	۷۱۷
گفتار اول: انتساب جرم به دیگری	۷۲۰
گفتار دوم: صراحت انتساب	۷۲۱
گفتار سوم: ناتوانی از اثبات صحت اسناد	۷۲۳
مبحث دوم: افترای عملی	۷۲۶
گفتار اول: عنصر مادی جرم افترای عملی	۷۲۷
بند اول: رفتار فیزیکی	۷۲۷
بند دوم: شرایط و احوال لازم برای تحقق جرم افترای عملی	۷۲۸
بند سوم: نتیجه حاصله از رفتار متهم	۷۲۹
گفتار دوم: عنصر روانی جرم افترای عملی	۷۲۹
گفتار سوم: افترای عملی در قانون مواد مخدر	۷۳۰
مبحث سوم: توهین، افترا و نشر اکاذیب به مثابه جرایم سیاسی	۷۳۱
مبحث چهارم: قذف	۷۳۲
فصل سوم: سلب حق افراد نسبت به جسم و تن آنها	۷۳۷
مبحث اول: توقیف یا اخفای غیرقانونی (بازداشت غیرقانونی)	۷۳۷
گفتار اول: معاونت در جرم حبس یا بازداشت غیرقانونی	۷۴۰
گفتار دوم: کیفیات مخففه در جرم حبس یا بازداشت غیرقانونی	۷۴۰
گفتار سوم: کیفیات مشدده در جرم حبس یا بازداشت غیرقانونی	۷۴۱
مبحث دوم: صدور دستور بازداشت غیرقانونی توسط مقامات قضایی	۷۴۳
مبحث سوم: آدمربایی	۷۴۵
گفتار اول: رفتار مرتکب و موضوع جرم	۷۴۵
گفتار دوم: عوامل تشدید مجازات آدمربایی	۷۴۸
بند اول: کمتر از ۱۵ سال تمام بودن مجنی علیه	۷۴۹
بند دوم: ربودن توسط وسایل نقلیه	۷۴۹
بند سوم: ورود آسیب جسمی یا حیثیتی به مجنی علیه	۷۴۹
گفتار سوم: جرم نوزادربایی	۷۴۹
گفتار چهارم: مجازات آدمربایی و نوزادربایی	۷۵۱
مبحث چهارم: قاچاق انسان	۷۵۲
گفتار اول: عناصر تشکیل دهنده جرم قاچاق انسان	۷۵۳
گفتار دوم: مجازات جرم قاچاق انسان	۷۵۵
گفتار سوم: تفاوت جرم آدمربایی با جرم قاچاق انسان	۷۵۷
مبحث پنجم: جرایم جنسی توأم با عُنف یا اکراه	۷۵۷
فصل چهارم: نقض حریم خصوصی و هتک حیثیت افراد	۷۵۹
مبحث اول: افشای اسرار حرفه‌ای	۷۵۹
مبحث دوم: هتک حرمت مراسلات، مخابرات یا مکالمات تلفنی	۷۶۱
مبحث سوم: هتک حیثیت افراد به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی	۷۶۲

۷۶۳.....	مبحث چهارم: هتک حرمت منزل یا مسکن اشخاص
۷۶۳.....	گفتار اول: ورود به منزل دیگری توسط اشخاص عادی
۷۶۷.....	گفتار دوم: ورود به منزل دیگری توسط مأموران دولتی
۷۷۰.....	گفتار سوم: هتک حرمت املاک غیر
۷۷۳.....	فصل پنجم: سلب آسایش و حقوق و آزادی مردم
۷۷۴.....	مبحث اول: نشر کاذیب
۷۷۹.....	مبحث دوم: مزاحمت تلفنی
۷۸۱.....	مبحث سوم: سلب حقوق اساسی و آزادی شخصی مردم
۷۸۲.....	مبحث چهارم: تظاهر، قدرت‌نمایی، هیاهو و جنجال
۷۸۳.....	فصل ششم: تهدید افراد
۷۸۳.....	مبحث اول: تهدید به قتل یا ضررهای دیگر
۷۸۶.....	مبحث دوم: تهدید نسبت به گرفتن نوشته یا سند

حقوق جزای اختصاصی ۵ (سایر جرایم مستوجب حد و تعزیر)

۷۹۰.....	بخش اول: سایر جرایم مستوجب تعزیر
۷۹۰.....	فصل اول: جرایم مرتبط با مشروبات الکلی
۷۹۰.....	مبحث اول: تظاهر به استعمال مشروبات الکلی
۷۹۱.....	مبحث دوم: ساخت، خرید، فروش، حمل یا نگهداری مشروبات الکلی
۷۹۲.....	مبحث سوم: قاچاق مشروبات الکلی
۷۹۴.....	مبحث چهارم: دایر کردن محل شرب خمر یا دعوت مردم به آنجا
۷۹۵.....	فصل دوم: جرایم مرتبط با قمار
۷۹۵.....	مبحث اول: قمار بازی، شرط‌بندی، بخت‌آزمایی
۷۹۸.....	مبحث دوم: دایر کردن مکان برای قماربازی، شرط‌بندی و بخت‌آزمایی
۸۰۱.....	مبحث سوم: قماربازی، تهیه یا اداره مکان به صورت حرفه‌ای یا سازمان‌یافته
۸۰۱.....	مبحث چهارم: تولید، معامله، عرضه، حمل یا نگهداری آلات و وسایل قمار
۸۰۳.....	مبحث پنجم: قبول خدمت کردن یا کمک به مباشر جرم
۸۰۵.....	مبحث ششم: عدم گزارش یا گزارش خلاف واقع توسط مأمورین صلاحیتدار
۸۰۵.....	مبحث هفتم: عدم گزارش توسط ارائه‌دهندگان خدمات ارتباطی
۸۰۶.....	مبحث هشتم: تکدی‌گری، کلاشی و ولگردی
۸۰۸.....	مبحث نهم: سوءاستفاده از اطفال در تکدی‌گری
۸۱۰.....	بخش سوم: جرایم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی
۸۱۰.....	فصل اول: جرایم مرتبط با ازدواج و طلاق
۸۱۰.....	مبحث اول: عدم ثبت وقایع ازدواج و طلاق
۸۱۱.....	مبحث دوم: نکاح مرد با دختر، برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ و ۱۰۶۰ قانون مدنی
۸۱۲.....	مبحث سوم: نکاح با زن شوهردار یا نکاح در زمان عده
۸۱۲.....	مبحث چهارم: ترک انفاق
۸۱۴.....	مبحث چهارم: منع ملاقات طفل با اشخاص ذی‌حق
۸۱۴.....	مبحث پنجم: صدور گواهی خلاف واقع
۸۱۵.....	فصل دوم: تدلیس در نکاح
۸۱۶.....	بخش چهارم: فرار محبوسین قانونی و اخفای آن‌ها

فصل اول: جرایم مرتبط با مسامحه و اهمال.....	۸۱۶
مبحث اول: مسامحه و اهمال منجر به فرار متهم یا زندانی.....	۸۱۶
مبحث دوم: مساعدت یا تبانی در فراری دادن متهم یا زندانی.....	۸۱۷
مبحث سوم: مسامحه و اهمال در دستگیری.....	۸۱۸
مبحث سوم: فراری دادن متهم یا زندانی توسط اشخاص عادی.....	۸۱۹
مبحث چهارم: مخفی کردن یا فراهم کردن فرار متهم یا زندانی.....	۸۲۰
مبحث پنجم: مساعدت برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت.....	۸۲۲
بخش پنجم: جرایم علیه اشخاص و اطفال.....	۸۲۳
فصل اول: جرایم مرتبط با اطفال.....	۸۲۳
مبحث اول: عدم استرداد طفل سپرده شده.....	۸۲۳
مبحث دوم: رها کردن طفل یا اشخاص ناتوان در محلی خالی از سکنه.....	۸۲۳
فصل دوم: جرایم مرتبط با مردگان.....	۸۲۴
مبحث اول: نیش قبر.....	۸۲۴
مبحث دوم: دفن میت بدون رعایت نظامات مربوط یا مخفی کردن میت.....	۸۲۴
مبحث سوم: دفن یا مخفی کردن جسد مقتول.....	۸۲۵
بخش ششم: جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی.....	۸۲۵
فصل اول: رابطه نامشروع و تظاهر به فعل حرام.....	۸۲۵
مبحث اول: رابطه نامشروع.....	۸۲۵
مبحث دوم: تظاهر به فعل حرام.....	۸۲۶
مبحث سوم: جرم رایانه‌ای علیه عفت و اخلاق عمومی.....	۸۲۷
فصل دوم: دایر کردن مراکز فساد یا فحشاء.....	۸۲۷
مبحث اول: دایر کردن مراکز فساد یا فحشاء یا تشویق کردن مردم به آن.....	۸۲۷
مبحث دوم: تجارت یا توزیع اقلام ضد عفت و اخلاق عمومی.....	۸۲۸
بخش هفتم: قسم و شهادت دروغ.....	۸۲۹
مبحث اول: سوگند دروغ.....	۸۲۹
مبحث دوم: شهادت دروغ.....	۸۲۹
بخش هشتم: تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی.....	۸۳۰
مبحث اول: نقض قانون اساسی با استفاده از امضای ساختگی وزیر یا مأمورین دولتی.....	۸۳۰
مبحث دوم: عدم استماع شکایت از شخصی که حبس غیر قانونی شده است.....	۸۳۰
مبحث سوم: پذیرش زندانی بدون اخذ برگ بازداشت از طرف مراجع صالح.....	۸۳۰
مبحث چهارم: تسلیم نکردن زندانی به مقامات صالح قضایی.....	۸۳۱
مبحث پنجم: ممانعت از اجرای قوانین مملکتی یا احکام یا اوامر قضایی.....	۸۳۱
مبحث ششم: دخالت در امور قضائی.....	۸۳۱
مبحث هفتم: اذیت و آزار بدنی متهم جهت اخذ اقرار.....	۸۳۲
مبحث هشتم: اعمال مجازات سخت‌تر از مجازات مورد حکم.....	۸۳۲
مبحث نهم: خرید یا تسلط بر مال یا حق دیگری با سوءاستفاده از شغل.....	۸۳۳
مبحث دهم: تمرّد نسبت به مأمورین دولت.....	۸۳۳
بخش نهم: غصب عناوین و مشاغل.....	۸۳۴
مبحث اول: دخالت در مشاغل دولتی.....	۸۳۴
مبحث دوم: استفاده از لباس یا نشان یا مدال‌های دولتی.....	۸۳۵

۸۳۶.....	مبحث چهارم: تعديات مأمورين دولتي نسبت به دولت
۸۳۹	بخش دوم: حدود
۸۳۹	فصل اول: مواد عمومي
۸۳۹	مبحث اول: مواد عمومي مربوط به حدود
۸۴۰	فصل دوم: زنا
۸۴۰	مبحث اول: تعريف و مفهوم زنا
۸۴۱	مبحث دوم: جماع با ميت
۸۴۱	مبحث سوم: جهل به حكم در زنا
۸۴۲	مبحث چهارم: حد زنا
۸۴۲	گفتار اول: شرايط احصان مرد و زن
۸۴۳	گفتار دوم: تأثير بلوغ در مجازات زنا با محارم نسبي و زناي محصنه
۸۴۳	گفتار سوم: زناي مرد متأهل قبل از دخول
۸۴۴	گفتار چهارم: زناي مرد مجرد يا مرد متأهل فاقد احصان
۸۴۵	گفتار پنجم: تأثير باكره گي در مجازات زناي به عُنْف و در حكم آن
۸۴۵	گفتار ششم: تأثير اقرار در مجازات زنا
۸۴۵	مبحث پنجم: لواط، تفخيذ و مساحقه
۸۴۵	بند اول: لواط
۸۴۶	بند دوم: تفخيذ
۸۴۷	بند سوم: مساحقه
۸۴۸	مبحث ششم: قوادي
۸۴۹	مبحث هفتم: سَب نبي
۸۴۹	مبحث هشتم: مصرف مُسكر
۸۵۰	بخش سوم: آراي وحدت رويه

حقوق جزای اختصاصی ۱

(جرایم علیه اموال و مالکیت)

فصل اول: کلیات

۱- حقوق جزای اختصاصی

* در حقوق جزای اختصاصی، هر جرمی به طور خاص و مجزاً مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. به عبارت ساده‌تر؛ عناصر تشکیل‌دهنده جرم، مجازات و کیفیات آن را برای هر جرمی به‌طور جداگانه بررسی می‌نماید. (ستاری، بهزاد، شرح جامع حقوق جزای عمومی، انتشارات ارشد، ۱۳۹۹، ص ۲۴)

مثال: جرم خیانت در امانت در ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، به‌طور جداگانه و تخصصی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۱- مصادیقی از حقوق جزای اختصاصی: (همان، ص ۲۵)

- ۱- جرائم علیه اموال و مالکیت؛ (حقوق جزای اختصاصی ۱)
 - ۲- جرائم علیه مصالح عمومی کشور؛ (حقوق جزای اختصاصی ۲)
 - ۳- جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص؛ (حقوق جزای اختصاصی ۳)
 - ۴- جرائم علیه شخصیت معنوی اشخاص. (حقوق جزای اختصاصی ۴)
- * با توجه به اینکه "**جرایم مالی**" به نقض "**حقوق مالی**" اشخاص مربوط می‌شوند، این جرایم با مفاهیم حقوق مدنی، به ویژه حقوق قراردادهای، ارتباط تنگاتنگ دارند؛ بدین ترتیب که برای محکوم کردن کسی به ارتکاب یکی از این جرایم، ابتدا باید با استفاده از مفاهیم حقوق مدنی، ثابت کنیم که شخص دیگری از یک حق مالی برخوردار بوده است و این حق، توسط مجرم نقض شده است. (میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اموال و مالکیت، تهران، انتشارات میزان، سال ۹۹، ص ۴۸)

مثال: آقای (الف)، علیه آقای (ب)، به اتهام تخریب عمدی خودرو، شکایت کیفری مطرح می‌کند. برای احراز جنبه کیفری رفتار آقای (ب)، باید بررسی نمود که آیا خودرو موردنظر، متعلق به آقای (الف) می‌باشد یا خیر؟! بنابراین در این فرض، بررسی ماهیت کیفری موضوع، منوط به اثبات مالکیت شاکی (یعنی ماهیت حقوقی) خواهد بود.

در جرایم علیه اموال و مالکیت، برخلاف سایر جرائم (اعم از جرائم علیه مصالح عمومی کشور، جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص و جرائم علیه شخصیت معنوی اشخاص) **حقوق جزا** با **حقوق مدنی** بیشترین ارتباط را دارد.

فصل دوم: کلاهبرداری

▪ مبحث اول: تعریف کلاهبرداری

▲ تعریف جرم کلاهبرداری در فقه اسلامی

* در متون فقهی، از کلاهبرداری تحت عنوان "احتیال" و از کلاهبردار تحت عنوان "مُحتال" نام برده شده و برای وی مجازات تعزیری مقرر گشته است. (همان، ص ۴۸)

* آن کس که در مال مردم با مکر و خُدعه و نوشته‌های مزورانه و گواهی‌های دروغ و نامه‌های کذب و نظایر آن‌ها حيله و فریب روا دارد، بر وی تأدیب و تنبیه واجب آید و باید آنچه را که گرفته است به طور کامل بازپس دهد و سزاوار است که حاکم، عقوبت وی را آشکار سازد تا دیگران عبرت گرفته و در آینده گرد این گونه اعمال نگردند. (شیخ طوسی، ابوجعفر، التّهایه فی مجرّد الفقه و الفتاوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۳)

▲ تعریف جرم کلاهبرداری از نظر دکترین حقوقی

* **کلاهبرداری** عبارت است از ← بردن مال دیگری از طریق توسّلِ توأم با سوءنیت به وسایل یا عملیات متقلّبانه. (میرمحمد صادقی، حسین، همان، ص ۵۶)

* **کلاهبرداری** عبارت است از ← اِعمال حيله و تقلّب که مُنتهی به فریب دیگری و بردن مال او گردد. (آقای‌نیا، حسین و رستمی، هادی، جرایم علیه اموال و مالکیت، انتشارات میزان، ۹۷، ص ۳۶)

هرگاه کسی با توسّل به وسایل متقلّبانه، دیگری را فریب داده و از این جهت، موفق به بردن مال او شود، مرتکب جرم کلاهبرداری شده است.



* **کلاهبرداری رایانه‌ای** عبارت است از ← بردن مال دیگری از طریق تقلّب یا اختلال در سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی. (آقای‌نیا، حسین، همان، ص ۳۶)

* می‌توان گفت، در کلاهبرداری رایانه‌ای، برخلاف کلاهبرداری ساده، نیازی به فریب خوردن قربانی نمی‌باشد، بلکه عملیات متقلّبانه و اختلال در سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی برای تحقّق جرم ضروری می‌باشد. به عبارت ساده‌تر؛ در کلاهبرداری ساده (یعنی غیر رایانه‌ای)، عملیات متقلّبانه بر روی اشخاص صورت می‌گیرد؛ در حالی که در کلاهبرداری رایانه‌ای، بر روی سامانه‌های رایانه‌ای صورت می‌گیرد.

تعریف جرم کلاهبرداری از نظر قانونگذار

ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری:

هر کس از راه حيله و تقلب، مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارتخانه‌ها یا کارخانه‌ها یا موسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیر واقع امیدوار نماید یا از حوادث و پیشامدهای غیر واقع بترساند و یا اسم و یا عنوان معجول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصا حساب و امثال آن‌ها تحصیل کرده و از این راه **مال دیگری را**

ببرد، کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد مال به صاحبش، به حبس از ۱ تا ۷ سال و پرداخت جزای

نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود. در صورتی که شخص مرتکب بر خلاف واقع

عنوان یا سمت مأموریت از طرف سازمان‌ها یا مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت یا شرکت‌های دولتی یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و بطور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و نهادها و مؤسسات مأمور به خدمت عمومی اتخاذ کرده یا اینکه جرم با استفاده از تبلیغ عامه از طریق وسایل ارتباط جمعی از قبیل

رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجله یا نطق در مجامع و یا انتشار آگهی چاپی یا خطی صورت گرفته باشد یا مرتکب از کارکنان دولت یا مؤسسات و سازمانهای دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی

و یا بطور کلی از قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمت عمومی باشد، علاوه بر **رد**

اصل مال به صاحبش، از **۲ تا ۱۰ سال و انفصال ابد از خدمات دولتی و پرداخت جزای نقدی**

معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود.

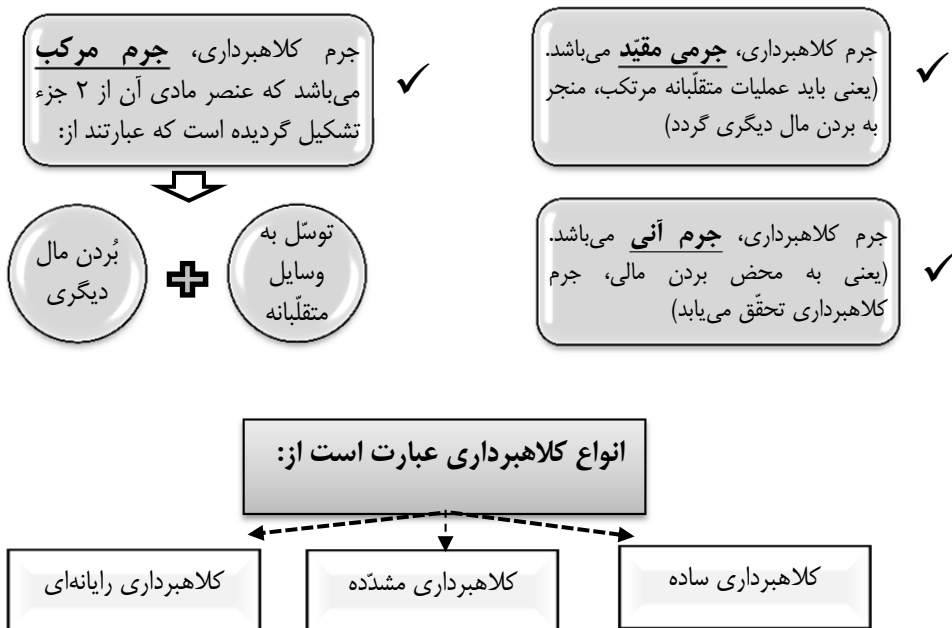
تبصره ۱ - در کلیه موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات و کیفیات مخففه، دادگاه می‌تواند با اعمال ضوابط مربوط به تخفیف، مجازات مرتکب را فقط تا حداقل مجازات مقرر در این ماده (حبس) و انفصال ابد از خدمات دولتی تقلیل دهد ولی نمی‌تواند به تعلیق اجرای کیفر حکم دهد.

تبصره ۲ - مجازات شروع به کلاهبرداری حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود.

مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنانچه در مرتبه مدیر کل یا بالاتر یا همتراز آنها باشند، به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پایین‌تر باشند به **۶ ماه تا ۳ سال انفصال موقت** از

خدمات دولتی محکوم می‌شوند.

قانونگذار در ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، به تعریف جرم کلاهبرداری پرداخته است؛ بلکه صرفاً مصادیقی از کلاهبرداری را ذکر نموده است.



▪ مبحث دوم: عناصر تشکیل‌دهنده جرم کلاهبرداری

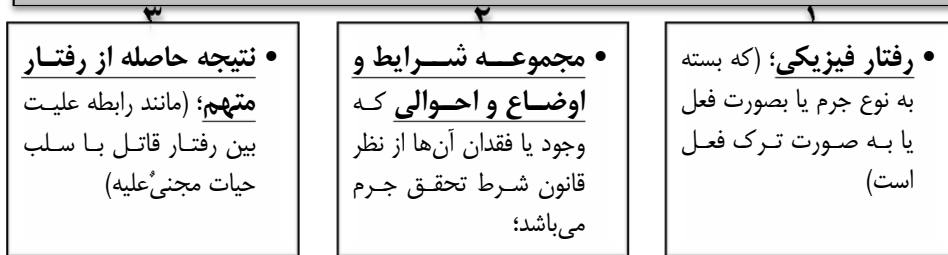
* همانطور که در شرح جامع حقوق جزای عمومی، گفته شد؛ هر جرمی متشکل از ۳ عنصر قانونی، روانی و مادی می‌باشد.

▲ گفتار اول: عنصر قانونی جرم کلاهبرداری

* قانونگذار در ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، به جرم‌انگاری کلاهبرداری پرداخته و برای آن مجازات تعیین کرده است.

گفتار دوم: عنصر مادی جرم کلاهبرداری

معمولاً عنصر مادی جرم، متشکل از ۳ عنصر می‌باشد: (میرمحمد صادقی، حسین، همان، ص ۵۸)



* البته باید در نظر داشت که همه جرایم، لزوماً از هر ۳ جزء عنصر مادی برخوردار نیستند. (همان، ص ۵۹)

مثال ۱: در شروع به جرم، صرف آغاز عملیات اجرایی جرم کافی بوده و نیازی به جزء سوم عنصر مادی (یعنی نتیجه حاصله از رفتار متهم) نمی‌باشد. مانند: شخصی که در حین سرقت و قبل از خارج کردن مال از تصرف مالک دستگیر می‌شود.

مثال ۲: در جرایم مطلق، نظیر شهادت کذب یا سوگند دروغ، نیازی به جزء سوم عنصر مادی (یعنی نتیجه حاصله از رفتار متهم) نمی‌باشد. به عبارت ساده‌تر، صرف شهادت کذب یا سوگند دروغ در محضر دادگاه جرم محسوب می‌شود و نیازی نمی‌باشد که در نتیجه این رفتار، شخصی گناهگار یا بی‌گناه شناخته شود.

بند اول: رفتار فیزیکی در جرم کلاهبرداری

* در کلاهبرداری نیز، مثل اغلب جرایم، رفتار مجرمانه مرتکب باید به شکل **فعل مثبت** باشد. ترک فعل، حتی اگر توأم با سوءنیت بوده و موجب اغفال طرف مقابل و ورود ضرر به وی شود، هیچ‌گاه نمی‌تواند عنصر مادی جرم کلاهبرداری را تشکیل دهد. (همان، ص ۶۰)

مثال ۱: اگر آقای (الف) به تصور اینکه آقای (ب)، مسئول أخذ وجوه مربوط به صدور گذرنامه است، مبالغی را به وی بپردازد و آقای (ب)، با علم به اشتباه آقای (الف)، وجوه مزبور را دریافت دارد و در واقع از گوشزد کردن اشتباه آقای (الف) به او خودداری نماید، وی را نمی‌توان مرتکب جرم کلاهبرداری دانست. حتی اگر شخص ثالثی در حضور آقای (الف)، شخص (ب) را با عنوان خاصی خطاب کرده و آقای (ب) نیز با سکوت خود، موجب به اشتباه افتادن و در نتیجه پرداخت وجهی توسط وی به خود (یعنی به آقای (ب)) شود، باز نمی‌توان آقای (ب) را به صرف سکوت، کلاهبردار دانست؛ مگر اینکه قبلاً با شخص ثالث در این زمینه تبانی کرده باشد که در این حالت ممکن است به اعتبار تبانی قبلی و أخذ مال، مباشر جرم کلاهبرداری و شخص ثالث، شریک جرم تلقی گردد. (همان، ص ۶۰)

مثال ۲: اگر متقاضی خرید سهام شرکتی، به فروشنده سهام مراجعه کرده و از وی بخواهد که در صورت مطلوب بودن وضعیت شرکت و مقرون به صرفه بودن خرید سهام آن، تعدادی از سهام خود را به وی بفروشد و سهامدار مزبور، با علم به نامطلوب بودن وضعیت شرکت و در شرف ورشکستگی قرار داشتن آن، سهام خود را به متقاضی خرید فروخته و از این رهگذر، خود منتفع شده و خریدار سهام را متضرر نماید، باز فروشنده را نمی‌توان کلاهبردار دانست؛ زیرا وی تنها از اظهار حقیقت به طرف مقابل خودداری کرده است. (همان، ص ۶۰)

مثال ۳: آقای (الف)، قصد خرید خودرو آقای (ب) را دارد. آقای (ب) با علم به اینکه خودرو وی دارای نقص اساسی در قسمت موتور بوده از گفتن حقیقت به آقای (ب) خودداری نموده و از این جهت خودرو را به قیمت گزافی به وی می‌فروشد؛ بدیهی است رفتار وی (یعنی عدم ذکر عیب خودرو) کلاهبرداری محسوب نمی‌شود. اگرچه می‌تواند موجب ایجاد خیار عیب یا غبن برای خریدار گردد، ولی به هر حال جرم تلقی نمی‌گردد.

مثال ۴: اگر کارمندی مدد معاش دختر خود را که شوهر کرده بگیرد، عمل وی کلاهبرداری نخواهد بود. زیرا در واقع، کارمند مورد بحث، تنها از مطلع کردن مقامات مربوط نسبت به ازدواج دخترش، که موجب عدم استحقاق او نسبت به دریافت کمک هزینه دختر می‌شود، خودداری کرده است و این یک فعل مثبت مقرون به حيله و تقلب نبوده، بلکه تنها یک ترک فعل می‌باشد. (همان، ص ۶۱)

مثال ۵: اگر فردی با این پندار که به دیگری بدهکار است، وجهی به او بپردازد و آن شخص با علم و آگاهی در قبال دریافت وجه ناروا، سکوت اختیار نماید، رفتار تارک فعل در این حالت، کلاهبرداری محسوب نمی‌شود. (آقای نبیا، حسین، همان، ص ۴۴)

مثال ۶: اگر فردی کالای معیوبی به دیگری بفروشد و از بیان نواقص و ایرادهای آن خودداری و فقط قیمت را اعلام کند، رفتار او با کلاهبرداری منطبق نیست. البته، اگر با علم و آگاهی کالای معیوب را فاقد عیب و نقص معرفی کرده و برای فروش آن تبلیغ نماید و یا اینکه کالای تقلبی را با آگاهی به دیگری بفروشد، به شرط احراز فریب، مرتکب کلاهبرداری شده است. (همان، ص ۴۴)

نتیجه ۱
جرم کلاهبرداری بصورت فعل قابل تحقق است، نه ترک فعل. (زیرا در کلاهبرداری رفتار باید توأم با حيله و تقلب باشد که این حالت در فعل مثبت، قابل تصور است نه در ترک فعل)

نتیجه ۲
چنانچه **بیش از ۱ نفر** در فرآیند حيله و تقلب مداخله داشته باشند و مجموع فعل و ترک فعل‌ها آن‌ها، منتهی به فریب طرف گردد، مشکلی برای صدق عنوان کلاهبرداری نیست. (همان، ص ۴۴)

مثال: آقای (الف)، با جعل مدارک تحصیلی و شغلی (یعنی توسل به وسایل متقلبانه به صورت فعل)، همدست خود آقای (ب) را تاجر معروفی نزد قربانی قلمداد می‌نماید و آقای (ب) نیز در هنگام این معرفی، صرفاً سکوت کرده (یعنی ترک فعل توأم با سوءنیت) و با این سکوت، موفق به بردن مال قربانی می‌گردند. بدیهی است در این فرض، با تجمیع فعل از سوی آقای (الف) و ترک فعل از سوی آقای (ب)، جرم کلاهبرداری تحقق می‌یابد.

۱ بند دوم: شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم کلاهبرداری

* **۳ شرط مهم برای تحقق جرم کلاهبرداری عبارت است از:** (میرمحمد صادقی، حسین، همان، ص ۶۲)

الف- متقلبانه بودن وسایلی که کلاهبردار از آن‌ها برای اغفال دیگری استفاده می‌کند؛

ب- اغفال شدن و فریب خوردن قربانی، که مستلزم عدم آگاهی وی نسبت به متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده مجرم می‌باشد؛

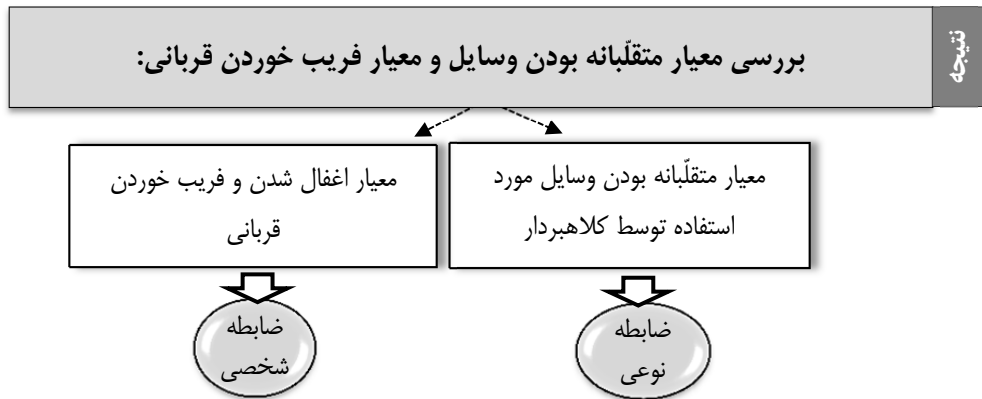
پ- تعلق مال برده شده به دیگری.

* معیار **متقلبانه بودن** وسایلی که کلاهبردار از آن‌ها برای اغفال دیگری استفاده می‌کند، "**ضابطه نوعی**" (یعنی معیار عرفی) است. (همان، ص ۶۲)

مثال: در اینکه شخص کلاهبردار از وسایلی که برای فریب دادن مجنی‌علیه استفاده می‌کند آیا متقلبانه است یا نه؟! ملاک ضابطه نوعی است، نه ضابطه شخصی. به عبارت دیگر؛ وسایل متقلبانه، باید به نحوی باشد که باعث فریب خوردن هر انسان متعارفی گردد. (یعنی تفاوتی نمی‌کند که مجنی‌علیه، یک انسان ساده لوح باشد یا یک انسان باهوش)

* معیار **اغفال شدن** و فریب خوردن قربانی، "**ضابطه شخصی**" است، نه ضابطه عینی. (همان، ص ۶۲)

توضیح ساده‌تر = در اینکه مجنی‌علیه، در نتیجه تَوَسُّل به وسایل متقلبانه فریب بخورد یا نه؟! ملاک ضابطه شخصی است، نه ضابطه نوعی.



الف: متقلبانه بودن وسایل یا عملیات مورد استفاده توسط کلاهبردار

* کلاهبرداری از زمره جرایمی است که برای تحقق آن‌ها، کیفیت وسیله حصول به نتیجه مهم است. برای تحقق این جرم، صرف "بردن مال غیر" کفایت نمی‌کند، بلکه "**متقلبانه**" محسوب شدن وسایلی که کلاهبردار از آن‌ها برای بُردن مال دیگری استفاده کرده است از اهمیت برخوردار می‌باشد؛ درست برعکس جرایمی نظیر سرقت و قتل که کیفیت وسیله در تحقق جرم تأثیری ندارد. (همان، ص ۶۳)

مثال ۱: در جرم قتل، صرف قصد مجرمانه و رفتار (اعم از فعل یا ترک فعل) کافی است و نیازی به کیفیت وسیله‌ای که قاتل اقدام به کشتن مجنی‌علیه می‌کند ندارد. مانند اینکه قاتل، چه با اسلحه، چه با داس و چه با چوب، اقدام به سلب حیات مجنی‌علیه نماید در هر صورت مرتکب جرم قتل شده است؛ در حالیکه در کلاهبرداری، وسیله مورد استفاده جهت فریب دادن قربانی، می‌بایست متقلبانه باشد. (مانند ارائه حساب بانکی واهی)

مثال ۲: در جرم سرقت، صرف قصد مجرمانه و رفتار کافی است و نیازی نیست که سارق، مال قربانی را از طریق کیف‌زنی بریاید یا از طریق خفت‌گیری یا از طریق برداشتن یا قاپیدن یا ... در حالیکه در کلاهبرداری، وسیله مورد استفاده جهت فریب دادن قربانی، می‌بایست متقلبانه باشد. (مانند جعل پروانه پزشکی)

با توجّه به درج عبارت "**هر کسی از راه حيله و تقلب**" در صدر ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و کلاهبرداری، لزوم "**متقلبانه بودن**" وسایل مورد استفاده کلاهبردار استنباط می‌شود. (همان، ص ۶۳)

فریب دادن مردم به وجود شرکت‌ها یا تجارت خانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم، یا به داشتن اموال و اختیارات واهی یا ترساندن آن‌ها از حوادث و پیش‌آمدهای غیرواقع و به طور کلی سایر مصادیق کلاهبرداری، باید مسبوق به "**حیله و تقلب**" باشد؛ به عبارت دیگر متضمن یک سلسله صحنه‌سازی‌ها و مانورهای متقلبانه باشد تا جرم کلاهبرداری محقق گردد. (همان، ص ۶۳)

رای شماره ۹۶ شعبه دوم دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۲۳/۰۶/۲۳

صرف گرفتن وجهی از اشخاص برای وارد کردن آن‌ها به خدمت دولتی و عدم انجام تعهدات، نمی‌تواند دارای جنبه کیفری و مشمول عنوان کلاهبرداری گردد و چنانکه در ماده ۲۳۸ قانون کیفر عمومی (قانون مجازات قدیم) قید شده، توسل به وسایل تقلبی باید محقق گردد. (یعنی کلاهبرداری محسوب نمی‌گردد)

رای شماره ۲۶۶۶ شعبه دوم دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۲۱/۰۹/۱۵

صرف گرفتن وجه از کسی، دارای جنبه کیفری نخواهد بود و به عبارت آخری، مادام که ارکان و عناصر اختصاصی بزه موضوع ماده ۲۳۸ قانون کیفر عمومی (یعنی جرم کلاهبرداری) که از جمله به کار بردن حیله و تقلب در گرفتن وجه یا یکی از شقوق دیگر آن ماده است محرز نگردد، حکم به تقصیر مورد نخواهد داشت.

رای شماره ۸۲۷ شعبه دوم دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۲۶/۰۵/۱۶

اگر کسی وجهی از کسی بگیرد که در مقابل، جنسی به او بدهد و بعداً منکر گرفتن وجه شده باشد، این عمل کلاهبرداری مشمول ماده ۲۳۸ قانون کیفر عمومی (یعنی قانون مجازات قدیم) یا مشمول سایر مقررات جزایی نخواهد بود. (یعنی کلاهبرداری محسوب نمی‌گردد)

رای شماره ۲۹۷ شعبه هشتم دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۳۰/۰۲/۰۳

اگر کسی جنسی را گرانتر از قیمت روز به دیگری بفروشد، این معنی با هیچ یک از شقوق ماده ۲۳۸ قانون کیفر عمومی (یعنی قانون مجازات قدیم)، منطبق نمی‌باشد. (یعنی کلاهبرداری محسوب نمی‌گردد)

نکته آزمونی

اگر فرد گرانفروش، جنسی را با توسل به وسایل متقلبانه، برخوردار از کیفیت بهتر یا کمیت بالاتر قلمداد نموده و به تبع آن گرانفروشی کند، در اطلاق عنوان کلاهبرداری به عمل وی مشکلی وجود نخواهد داشت. (همان، ص ۶۴)

مثال ۱: کسی که با دست بُردن در سند یا پلاک خودرو، آن را برخورداری از مدل بالاتر قلمداد می‌کند، کلاهبردار محسوب می‌شود. (همان، ص ۶۴)

مثال ۲: مغازه‌داری که با دست بُردن در ترازو، کم‌فروشی می‌کند، کلاهبردار محسوب می‌شود. (همان، ص ۶۴)

مثال ۳: فروشنده برای اینکه خریدار را تحت تأثیر قرار دهد چمدان مسافرتی را که جنس اصلی بوده، مقابل چشمان مشتری، چندین بار بالای سر برده و به زمین می‌کوبد تا میزان استحکام بالای چمدان را در برابر ضربات سنگین نشان دهد؛ ولی پس از فریب خوردن مشتری، چمدان قلّابی و ارزان قیمتی را که کاملاً شبیه چمدان اصلی بوده به وی می‌دهد.

مثال ۴: دور زدن‌های غیر ضروری یک راننده تاکسی و اخذ کرایه بیشتر از مسافر بر اساس تاکسی‌متر، می‌تواند جرم کلاهبرداری محسوب گردد. (قضاوت، سال ۹۲)

نکته آزمونی

اثبات توسّل به وسایل متقلّبانه بر عهده مدّعی (یعنی تعقیب‌کننده) است.

۱ مصادیقی از شیوه‌های گوناگون استفاده از وسایل تقلّبی: (آقای‌نیا، حسین، همان، ص ۴۶)

- ۱- سند مجعول اعم از آنکه از ناحیه کلاهبردار ساخته شده و یا تنها برای بردن مال کسی استفاده شود؛
- ۲- نوشته‌های مزوّر و ساختگی که فاقد وصف مجرمانه جعل هستند.
- ۳- اظهارات کذب و صحنه‌سازی خلاف واقع چند نفر که در مجموع، حيله و تقلّب محسوب و موجب فریب طرف گردد.
- ۴- اسناد غیرمجعول فاقد اعتبار یا خالی از وجه، مانند احکام بدوی یا تجدیدنظر که با احکام نهایی در تعارض باشند.

مثال بند ۴: اگر زن، بابت مهریه مقداری اشیاء از شوهر خود بگیرد و قرار بر این باشد که در دفتر اسناد رسمی حاضر شود و رسید بدهد و از این تعهد خود سرباز زند و دوباره برای وصول آن اجرائیه صادر کند، رفتار او کلاهبرداری محسوب می‌گردد. در صورتی که اجرائیه منتهی به وصول نشود، شروع به کلاهبرداری خواهد بود. (همان، ص ۴۶)

۱ بررسی تأثیر دروغ‌گویی به عنوان وسیله متقلّبانه

* بُردن مال غیر به صرف دروغ‌گویی، کلاهبرداری محسوب نمی‌گردد. زیرا حيله و تقلّب، رکن جرم کلاهبرداری محسوب می‌گردد. حيله و تقلّب چیزی بیش از دروغ‌گویی محض است. به عبارت دیگر عُرف، صرفِ دروغ‌گویی را حيله و تقلّب نمی‌داند. (میرمحمد صادقی، حسین، همان، ص ۶۵ و ۶۶)

مثال ۱: کسی را که طی تماس تلفنی با دیگری، خود را چوپانی معرفی می‌کند که در هنگام چرای گوسفندانش به کوزه‌ای پر از سکه‌های طلا دست یافته و وی را به پرداخت پول به حسابش اغواء می‌کند، نمی‌توان کلاهبردار دانست.

مثال ۲: شخصی به دروغ وانمود می‌کند که سارقین، کیف او را سرقت کرده‌اند و پولی برای پرداخت کرایه تاکسی ندارد. راننده تاکسی نیز به لحاظ انسان‌دوستی، بدون اخذ کرایه، او را به منزلش می‌رساند. در این فرض،

وی مرتکب جرمی نشده است. زیرا اولاً مالی نبرده است، ثانیاً صرف دروغ‌گویی، عملیات متقلبانه محسوب نمی‌شود. (ارشد سراسری، سال ۸۷)

* اصولاً دروغ‌گویی هر چند اخلاقاً مذموم است؛ ولی با توجه به تفکیک حقوق از اخلاق، معمولاً موجب بروز مسئولیت کیفری برای شخص دروغگو نمی‌گردد؛ مگر آنکه چیزی به آن افزوده شود. مثلاً به صورت سوگند یا شهادت کذب درآید. (همان، ص ۶۶)

رای شماره ۴۰۰ شعبه سوم دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۳۶/۰۸/۳۰

اگر کسی اشیائی از کسانِ متهم بگیرد تا با اِعمال وساطت نزد بازپرس، موجب اختلاس (یعنی خلاصی) و منع تعقیب او را فراهم سازد، این عمل مشمول قانون مجازات اعمال نفوذ خواهد بود، نه ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی راجع به کلاهبرداری.

مثال: آقای (الف)، کارمند شهرداری، به ادعای نفوذ داشتن ارتباط صمیمی با قاضی، از آقای (ب) که خوانده پرونده در شعبه مربوطه است، وعده اخذ مبلغی پول جهت زمینه‌سازی برای صدور رأی به نفع آقای (ب) را می‌گیرد. وی، مرتکب جرم اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات شده است، نه جرم کلاهبرداری. (ارشد سراسری، سال ۹۶)

نکته آزمونی

برای محکوم کردن مرتکب به ارتکاب جرم کلاهبرداری، اعمال وی باید به گونه‌ای باشد که "صحنه‌سازی متقلبانه" محسوب گردد. (همان، ص ۶۶)

مثال ۱: شخصی که تا روز گذشته، مدیر دبستانی بوده و امروز از این سِمَت خلع شده است؛ با مراجعه به اولیای دانش‌آموزان که از عزل او بی‌اطلاع می‌باشند، وجوهی را به عنوان شهریه فرزندانشان از آنان اخذ کرده و در مقابل، به عنوان مدیر مؤسسه، رسید بدهد؛ عمل این مدیر سابق را شاید بتوان عرفاً نوعی "صحنه‌سازی متقلبانه" و نه دروغ محض دانست. (همان، ص ۶۶ و ۶۷)

مثال ۲: شخصی بدون هیچ‌گونه سمتی و بدون ارائه هیچ مدرکی، با مراجعه به منازل اولیای دانش‌آموزان، خود را به دروغ مدیر مدرسه فرزندان آنان معرفی کرده و وجوهی را به عنوان شهریه از آنها اخذ می‌کند. عمل این شخص، یک دروغ مجرّم، بدون به کار بردن هیچ نوع وسیله متقلبانه بوده است (یعنی کلاهبرداری محسوب نمی‌گردد). (همان، ص ۶۷)

مثال ۳: چنانچه شخص مذکور در مثال دوم، صحنه‌سازی و تقلبی هر چند اندک به دروغ خود افزوده باشد؛ مثل اینکه در مقابل اخذ پول، رسید رسمی مدرسه را ارائه داده و یا با شخص ثالث، تبانی و از او درخواست کرده باشد که در محل حاضر شده و گفتار او را تأیید نماید، این رفتار می‌تواند کلاهبرداری محسوب گردد. (همان، ص ۶۷)

* در مثال ۳، توسّل به وسایل متقلبانه در اینجا به شکل تبانی با شخص ثالث ظهور پیدا می‌کند. بنابراین اگر تبانی با شخص ثالث وجود نداشته باشد، ولی از خوش‌شانسی شخص دروغگو، شخص دیگری در هنگام مراجعه او به اولیای دانش‌آموزان در محل، حاضر شده و به ابتکار خود، به اصطلاح، فضولی کرده و دروغ‌های مدیر قلّابی را تصدیق و تأیید نماید، حکم به ارتکاب کلاهبرداری توسط شخص اخیرالذکر مشکل خواهد بود. (همان، ص ۶۷)

* صرف دروغ کتبی نیز همانند دروغ شفاهی، کلاهبرداری محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر اگر فاعل، به جای دروغ‌گویی، دروغ‌نویسی کند و ورقه مرقوم، بیانگر هیچ چیزی جز دروغ نباشد، باز حکم به کلاهبرداری و جاهت نخواهد داشت. (همان، ص ۶۷)

مثال ۱: کسی که با نوشتن نامه معمولی به دیگری، خود را یک جراح معتبر و یا مدیر مؤسسه فرزند او معرفی کند و از او پول بگیرد، کلاهبردار محسوب نمی‌گردد. (همان، ص ۶۷)

مثال ۲: اگر کسی با نوشتن نامه‌ای و با جعل امضای یک جراح معتبر یا چاپ کارت ویزیت وی، خود را به جای او معرفی و از قربانی پول بگیرد در صورت حصول سایر شرایط کلاهبردار محسوب می‌گردد.

مثال ۳: اگر آقای (الف) صرفاً با نامه‌نگاری و یا زبان‌بازی و لفاظی، به خانم (ب) وعده ازدواج داده و از این طریق اموال او را ببرد، رفتار وی کلاهبرداری محسوب نمی‌شود؛ زیرا وی از هیچ وسایل متقلبانه‌ای جهت فریب قربانی استفاده نکرده است و صرف دروغ‌گویی، چه به صورت شفاهی و چه به صورت کتبی، حيله و تقلب محسوب نمی‌گردد.

مثال ۴: اگر آقای (الف)، علاوه بر نامه‌نگاری و یا زبان‌بازی و لفاظی، با ارائه مدارک جعلی (یعنی وسایل متقلبانه) خود را تاجر یا مهندس معروفی قلمداد کرده و با وعده ازدواج به خانم (ب) اموال او را ببرد، رفتار وی کلاهبرداری محسوب می‌شود؛ زیرا وی علاوه بر دروغ‌گویی و لفاظی، از وسایل متقلبانه (یعنی مدارک جعلی)، برای فریب قربانی استفاده کرده است.

مثال ۵: (الف)، به طور صوری، قراردادی با (ب) منعقد می‌کند و اجاره‌نامه را به مرجعی ارائه می‌دهد. وی مرتکب هیچ جرمی نشده است. زیرا صرف دروغ‌گویی، چه به صورت شفاهی و چه به صورت کتبی، نه جرم کلاهبرداری محسوب می‌شود، نه جرم جعل. (ارشد سراسری، سال ۹۶)

حيله و تقلب، چیزی فراتر از دروغ‌گویی، ظاهر سازی، مخفی کاری یا لفاظی می‌باشد.

زیرا اگر جرم کلاهبرداری را با هر یک از موارد مذکور قابل تحقق بدانیم، روزانه تعداد کثیری از فروشندگان و کسبه را باید مشمول جرم کلاهبرداری در ایران دانست. مانند لباس‌فروشی‌ها، سوپرمارکتی‌ها، کفش‌فروشی‌ها و ... که روزانه برای فروش بهتر محصولات خود، به دفعات به دروغ‌گویی، بزرگ‌نمایی، مخفی کاری یا لفاظی می‌پردازند.

صرف دروغ‌گویی چه بصورت شفاهی و چه بصورت کتبی، کلاهبرداری محسوب نمی‌شود.

* صرف تقدیم دادخواست واهی به دادگاه، حتی اگر منتهی به صدور حکم به نفع خواهان و به تبع آن صدور اجرائیه و تصاحب مال دیگری شود، نمی‌تواند کلاهبرداری محسوب گردد. زیرا خواهان، صرفاً دروغی اظهار داشته که به شکل یک "دادخواست دروغ" و بر روی برگه دادخواست نمایان شده است. (همان، ص ۶۸)

* تقدیم دادخواست واهی به دادگاه، حتی اگر با صحنه‌سازی متقلبانه باشد (مانند ارائه اسناد جعلی)، باز هم کلاهبرداری محسوب نمی‌گردد؛ زیرا بُردن مال غیر، نتیجه "مستقیم و اصلی" توسّل به وسایل متقلبانه و اغفال قربانی نبوده، بلکه در نتیجه حکم دادگاه حاصل می‌گردد. به عبارت دیگر رابطه مستقیم بین توسّل به وسایل متقلبانه و بردن مال غیر وجود ندارد (یعنی در اثر توسّل به وسایل متقلبانه از سوی مرتکب، فرد قربانی فریب نخورده است، بلکه صرفاً مجبور به اجرای حکم دادگاه شده است). (همان، ص ۶۸)

مثال: آقای (الف) با جعل کردن دست‌خط آقای (ب)، وی را بدهکار و خود را طلبکار قلمداد می‌کند. سپس با همان دست‌نوشته جعلی، اقدام به طرح دادخواست مطالبه وجه از دادگاه نموده و پس از محکوم کردن آقای (ب)، موفق به توقیف و بردن اموال وی می‌شود. بدیهی است رفتار وی، جرم کلاهبرداری محسوب نمی‌گردد، زیرا اولاً، رابطه علیّت بین عملیات متقلبانه و بردن مال وجود ندارد (یعنی نتیجه توسّل به عملیات متقلبانه، صدور حکم بوده، نه بردن مال). ثانیاً، در این فرض، دادگاه فریب خورده است، نه آقای (ب).

تقدیم دادخواست واهی به دادگاه، حتی با صحنه‌سازی متقلبانه (مانند جعل مدارک)، کلاهبرداری محسوب نمی‌شود؛ حتی اگر منجر به صدور حکم و بردن مال قربانی گردد.

* اقامه دعوی زاید بر میزان استحقاقی (بدون سوءنیت و قصد تقلّب)، مشمول عنوان کلاهبرداری و مقرّرات جزایی دیگر نخواهد بود. البته به نظر می‌رسد که اقامه دعوی دروغ، به دلیل حرمت آن، از لحاظ موازین فقهی سستی قابل تعزیر باشد. (همان، ص ۶۹)

مثال: آقای (الف)، از آقای (ب)، مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان طلب دارد، ولی در دادگاه مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان (یعنی ۵۰ میلیون بیشتر از مبلغ واقعی) مطالبه می‌کند. بدیهی است رفتار وی، جرم کلاهبرداری محسوب نمی‌گردد.

۱- تقلبی بودن وسیله مورد استفاده کلاهبردار از لحاظ شکل و ظاهر

* وسیله مورد استفاده کلاهبردار، ممکن است از لحاظ شکل و ظاهر هم، تقلبی باشد. (همان، ص ۶۹)

مثال ۱: آقای (الف) با جعل کردن پروانه وکالت، خود را وکیل متخصص و حرفه‌ای معرفی و موفق به فریب دادن قربانی و بُردن مال وی می‌گردد.

مثال ۲: آقای (الف) با عملیات گریم، ظاهر خود را شبیه چهره پروفیسور سمعی (جراح مغز و اعصاب) کرده و موفق به فریب دادن قربانی‌ها و بردن مال آن‌ها می‌گردد.

مثال ۳: آقای (الف) با فروش سکه‌های تقلبی به جای سکه‌های اصل، موفق به فریب دادن قربانی‌ها و بردن مال آن‌ها می‌گردد.

مثال ۴: یک جهانگرد خارجی، اتومبیلی را کرایه می‌کند. در پایان گشت‌وگذار، کیف پُر از پول خود را جلوی راننده می‌گیرد تا کرایه خویش را از کیف بردارد. اما راننده با علم به ناآگاهی توریست از ارزش پول‌های رایج و با سوءنیت، مبلغ هنگفتی را از کیف بر می‌دارد. رفتار وی، مشمول هیچ جرمی نمی‌باشد. خیانت در امانت هم نیست،